

شیرازه

سنت‌گرایی و فهم کیهان

شرق؛ «ستیز با جهان مدرن» عنوان کتابی است از مارک سجویک که به زندگی رنه گنون و تاریخ جنبش سنت‌گرایی که او بنیادش نهاد مربوط است؛ ازاین‌رو نویسنده رویدادها را از منظر او دنبال کرده است. سجویک در اثرش نخست جایگاه محوری را به خود گنون داده و سپس، به کسانی که هریک به شکلی پا جای پای وی گذاشتند. او در این اثر از منظری تاریخی به سنت‌گرایی و انواع و اقسام جریان‌ها و جنبش‌ها و نحله‌های مربوط به آن می‌پردازد و با راه و روشی دانشگاهی تصویر کلیت این‌مکتب و پیوندهای گوناگون و بسیاریار را ترسیم می‌کند. این اثر بیش از آنکه بنیادهای شناخت شهودی - عقلانی، زرفای اصول متافیزیکی و باطن آموزه‌های معنوی سنت‌گرایی را بکاود، چگونگی پیدایش و تکوین، روندهای رشد و فرگشت، و گستره پیوندهای تاریخی آن را مورد بررسی قرار داده است. مارک سجویک مورخ بریتانیایی و دانش‌آموخته دانشگاه‌های آکسفورد و برگن است که در سال ۱۹۶۰ متولد شده است. او سال‌ها در دانشگاه آمریکایی قاهره تدریس کرد و اکنون استاد مطالعات عربی و اسلامی دانشگاه آرهوس دانمارک است. او همچنین رئیس انجمن نوردیک مطالعات خاورمیانه و گرداننده شبکه اروپایی مطالعات اسلام و باطنی‌گری است. سجویک در «ستیز با جهان مدرن» نشان می‌دهد که چگونه سنت‌گرایی تأثیری عمده بر دین، سیاست و حتی روابط بین‌الملل گذاشته است. موضوع این کتاب تاریخ جنبشی است که سنت‌گرا است البته به معنای دقیق‌تر کلمه. واژه «تردیشن» از واژه لاتین تردره سرچشمه می‌گیرد که به معنای واگذاری یا به ارث گذاشتن است و در معنای ریشه‌شناختی‌اش اظهار، باور یا ورزهای است که خاصه شفاها از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. جنبش سنت‌گرایی که موضوع این کتاب است، سنت را اساسا در این معنای دوم به کار می‌برد یعنی باور یا ورزهایی که از زمان‌های بسیار دور دست به دست شده است یا باور یا ورزهای که می‌بایست دست به دست می‌شد. اما این روند در غرب، نیمه دوم هزاره دوم پس میلاد از حرکت بازماند. در سه فصل ابتدایی کتاب «ستیز با جهان مدرن» به آثار رنه گنون پرداخته شده است. نویسنده می‌گوید که سنت‌گرایان مورد بحث در این کتاب جنبشی شکل داده‌اند. البته جنبش سنت‌گرایی ساختار رسمی ندارد و از اواخر دهه ۱۹۴۰ به این سو فرمانده مرکزی نداشته است، بلکه گروه‌ها و افرادی به آن شکل داده‌اند که عامل یگانه‌بخش‌شان دین مشترکی است که به آثار رنه گنون دارند. گرچه گاه این جنبش را سنت‌گرایی گزونی می‌نامند، بیشتر فعالانش این عنوان را رد می‌کنند و ترجیح می‌دهند خود را سنت‌گرا بنامند. تاریخ سنت‌گرایی در سه مرحله می‌گنجد و این سه مرحله در سه بخش این کتاب بازتاب یافته است. در نخستین مرحله یعنی تا پایان دهه ۱۹۳۰، گنون فلسفه سنت‌گرایی را پایه نهاد، مقاله‌ها و کتاب‌های گوناگون نوشت و حلقه کوچکی از مردیان را گرد آورد. طی دوره دوم، هم و غم‌ها مصروف آن شد که فلسفه سنت‌گرایی به عرصه عمل پا بگذارد، کوششی که اصولا در دو زمینه بسیار متفاوت صورت گرفت: یکی اسلام صوفیانه که نمونه‌ای است از مابعدالطبیعه شرقی و دیگری فاشیسم اروپایی که صورتی است از شوریدن طی دوره سوم، یعنی پس از دهه ۱۹۶۰، ایده‌های سنت‌گرایی به مرور و بی‌سروصدا با فرهنگ عمومی غرب درآمیخت و از آنجا به سوی جهان اسلام و روسیه روانه گشت.

در «جست‌وجوی فهم کیهان» عنوان کتابی است از بهرام مشحون و شانت باغرام که توسط نشر نو منتشر شده است. این کتاب سفری است برای کنجکاوی در باب ناشناخته‌های عالم، از انبساط کیهان تا سایه‌چاله‌ها و ماده و انرژی تاریک و حیات فرازمینی. این سفر در بستر تاریخ علم و به‌خصوص تاریخ فیزیک از دوران باستان تا زمان معاصر رخ می‌دهد. در اتنای این سفر در فضا و زمان، به بررسی ساختار و تحول ستارگان و کهکشان‌ها می‌پردازیم. سپس با کاوش درباره مدل مهپانگ، تابش زمینه کیهانی و ساختارهای بزرگ‌مقیاس به بررسی آغاز و ساختار و تاریخچه کیهان می‌رسیم. در خلال سفرهای این کتاب بنیادهای فیزیک نیوتنی، الکترومغناطیس، مکانیک کوانتومی، نسبیت خاص و عام و کیهان‌شناسی بازگو می‌شود. نویسنندگان در همان آغاز کتاب تأکید می‌کنند که در علم کیهان‌شناسی کار با مدل‌سازی انجام می‌شود، ازاین‌رو کاوش آنها از این مدل‌ها شروع می‌شود. به این ترتیب کتاب با مدل کیهان‌شناسی شروع می‌کند، سپس از راه آزمایش‌های متعدد مشخص می‌شود که این مدل‌ها تا چه اندازه می‌توانند درست باشند یا چقدر اشتباه‌اند. کیهان‌شناسی دانشی است که حدود صد سال عمر دارد و علمی نسبتاً جدید است، اما به خاطر علاقه انسان به کاوش فضا، و به کمک ماهواره‌هایی که در فضا پرتاب می‌شوند و پیشرفت کم‌ظفر در جمع‌آوری کلان‌داده از آسمان، هم‌اکنون کیهان‌شناسی در خط اول علم قرار گرفته و بی‌وقفه در حال پیشرفت است. بهرام مشحون، متولد ۱۳۲۶ در تهران، از چهره‌های برجسته فیزیک نظری در دنیا و متخصصی گرانش و نسبیت است. او استاد پیشکسوت و بازنشسته دانشگاه میزوری کلمبیا و استاد معین پژوهشگاه دانش‌های بنیادی و دانشکده فیزیک دانشگاه صنعتی شریف است. او دوره کارشناسی را در دانشگاه برکلی زیر نظر ایمیلیو سگره، برنده نوبل فیزیک در سال ۱۹۵۹، سپری کرده است و سپس برای ادامه تحصیل به دانشگاه پرینستون رفته و در آنجا در سال ۱۳۵۱ موفق به گذراندن رساله دکتری خود درباره سایه‌چاله‌ها زیر نظر جان ویلر شده است. مشحون پیش از پیوستن به دانشگاه میزوری به‌عنوان محقق و پژوهشگر در پرینستون، مریلند، یوتا و کِلِتک در آمریکا و کلن در آلمان به فعالیت پرداخته است. او کتابی با انتشارات آکسفورد درباره گرانش غیرموضعی دارد و پژوهش‌هایش در زمینه فیزیک نظری، گرانش و نسبیت عام بسیار مهم و تأثیرگذار بوده است. شانت باغرام، متولد ۱۳۶۱ در تهران، کیهان‌شناس و عضو هیئت علمی دانشکده فیزیک دانشگاه صنعتی شریف است. او محقق پسادکتر در دانشگاه واترلو، مؤسسه فیزیک نظری پریمتر در کانادا و همچنین پژوهشکده نجوم پژوهشگاه دانش‌های بنیادی بوده است. باغرام برنده جایزه ائوریحان بیرونی فرهنگستان علوم ایران و جایزه مرکز فیزیک نظری عبدالسلام ترسنته در ایتالیا شده است. او از سال ۱۳۹۳ در دانشگاه صنعتی شریف مشغول به آموزش و پژوهش است و به مطالعه ساختارهای بزرگ مقیاس کیهانی برای فهم ماده و انرژی تاریک می‌پردازد.



در جست‌وجوی فهم کیهان

بهرام مشحون، شانت باغرام

نشر نو



به مناسبت درگذشت ماریو بارگاس یوسا

یوسا و رادیکالیسم ادبی



پیام حیدرقزوینی

مراتب نظامی دست پیدا می‌کند. «شهر و سگ‌ها» روایتی از نزاع‌های آزارگرانه شاگردان، ارباب شاگردان ضعیف‌تر و استبداد فاسد رشدیافته در این نوع از نهادهای آموزشی است. اچواریا می‌گوید این رمان یوسا را به‌درستی نقد دستگاه نظامی حاکم بر پروتعبیر کردند و به این خاطر یوسا احتیاط کرد و بیشتر در اروپا به سر می‌برد و تنها چند بار از گویای انقلابی دیدن کرد. «خانه سبز» رمان مهم دیگری از یوسا است که در ۱۹۶۵ منتشر شد. این رمانی بلندپروازانه و جسورانه بود که عنوانش برگرفته از روسپی‌خانه‌ای است که وقایع بخش درخورتوجهی از رمان در آنجا می‌گذرد. این رمان اولین جایزه رومولو گایکوس را در ونزویلا به دست آورد؛ جایزه‌ای که بعدها اعتبار بیشتر پیدا کرد و مارکز و فونتنس از جمله برندگان بعدی آن بودند. اچواریا می‌گوید یوسا در این زمان مهم‌ترین صدای جنبش بوم شد. او در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ همچنان به نوشتن ادامه داد و اغلب آثارش با موفقیت همراه بودند.

اما یکی از شاخص‌ترین آثار یوسا یعنی رمان «سور بز» در سال ۲۰۰۰ منتشر شد. این رمانی است درباره دیکتاتوری تروخیو در جمهوری دومینیکن. اچواریا درباره آثار مهم یوسا نوشته است: «یوسا داستان‌گویی است پرکار و متحر و اصیل به سبک بالزاک و پرس گالدوس. تنوع رمان‌های منتشرشده‌اش حیرت‌آور است؛ از خاله خولیا و نویسنده (۱۹۷۷) که رمانی است مفرح درباره نویسنده‌ای که سریال‌های بازاری می‌نویسد و طرح داستان‌های مختلفی را موقع نوشتن به هم می‌آمیزد، تا جنگ آخرالزمان (۱۹۸۱) که بازگویی وقایع نبرد کانودوس در برزیل قرن نوزدهم است و در آن عده‌ای از متعصبان مذهبی شهری می‌سازند و دولت می‌کوشد آنها را بیرون کند. این داستان شبیه داستان کلاسیک برزیلی، صحراها نوشته‌انولکلیدس دا کونیا است. جنگ آخرالزمان را می‌توان شاهکار یوسا دانست، رمانی سمفونی‌گونه که یکی از شخصیت‌هایش خود داکونیا است، با همان دغدغه‌های آشنا درباره خشونت، قهرمان‌گرایی و جبران کناه». یوسا سرانجام در سال ۲۰۱۰ جایزه نوبل را به دست آورد.

یوسا نویسنده پرکاری بود و بخش عمده آثارش رمان‌هایش است؛ اما او در زمینه ادبیات و سینما نقدهای درخورتوجهی می‌نوشت و به‌عنوان منتقد و روزنامه‌نگار هم شناخته می‌شود. او همچنین مثل بسیاری دیگر از نویسندگان آمرکای لاتین به مسائل اجتماعی و سیاسی توجه زیادی داشت و اگرچه از دوره‌ها به بعد از گرایش چپ‌گرایانه‌اش فاصله گرفت، اما همچنان نویسنده‌ای منتقد باقی ماند. کورتی در جایی دیگر از مقاله‌اش درباره این ویژگی یوسا نوشته: «بعد از رمان گفت‌وگو در کاتدرال، یوسا کار

زنده‌باد ادبیات!

یوسف مجیدی

دیوارها را با چوب‌پنبه پوشانند، تا صدای خیابان ساکت شود و

برده‌های اتاقش را هم کشید تا نور و گردوغبار او را اذیت نکند. روزها می‌خوابید و شب‌ها تا توان داشت روی اثرش کار می‌کرد. بزرگ‌ترین و وحشت‌ناک‌ترین دل‌نگرانی انسان تهایی‌ست. «شاید همهٔ هم‌روایی‌ها-با تصاویر، کتاب‌ها، آدم‌ها، ساکنان مجازی دنیای غیرواقعی- حزن به بار می‌آورند، چون به ما یاد آوری می‌کنند که عاقبت تهایی‌ست» (مانگول، برجیدن کتابخانه‌ام: ۳۲). نویسنده از جریان پرشتاب زندگی روزمره کناره می‌گیرد، تا

در سکوتی خودخواسته، معنای دیگری از بودن را جست‌وجو کند. و اگر چن یوسا، نویسنده زاده سرزمینی باشد که گرفتار پنجه‌های دیکتاتوری‌ای چون ژنرال اودریا است، نویسنده‌شدن دیگر نه‌فقط یک انتخاب، بلکه مقاومتی دشوار است؛ چراکه در چنین جوامعی، ادبیات به حاشیه رانده می‌شود و به حیاتی زیرزمینی و پنهان‌پناه می‌برد و تبدیل به امری پرمخاطره می‌شود. ادبیات معنای زندگی نویسنده می‌شود. و اما نویسنده دست به کاری اعجاب‌انگیز می‌زند. او همچون تئیس فرزند خود را در رود استوکس غسل می‌دهد و آن را جلودانه می‌کند، اما خود نویسنده همچنان فانی می‌ماند و در انتظار ساعت پایان خوش خویشش می‌نشیند. چه شریف‌اند انسان‌هایی که از همان فرصت یگباره زندگی خویش می‌گذرند و در دریای ادبیات غرق می‌شوند. زنده‌باد ادبیات!

شرق

عطف

تغییرات اقلیمی وفرم‌های

روایی

شرق؛ «ستیز با جهان مدرن» عنوان کتابی است کسی فراموش کند لحظه‌ای را که در آن بی‌جان ناگهان به نحو خطرناکی زنده از کار درمی‌آید؟ به‌طور مثال، لحظه‌ای که مشخص می‌شود نقوش اسلیمی فرش زیر پانتان درواقع دم سگی است که اگر روی آن قدم بگذارید ممکن است مچ پای شما بیچ بخورد؛ یا لحظه‌ای که دست دراز می‌کنیم تا خوشه ظاهرا بی‌آزاری را بچینیم و می‌بینیم که کرم یا مار است؛ یا لحظه‌ای که تکه‌چوبی ساکن ناگهان تکان می‌خورد به تمساح بدل می‌شود؛ این بخشی از کتاب «جنون بزرگ» نوشته آمیتاو گوش است که با ترجمه امید رستمیان‌مقدم در نشر نی منتشر شده است. کتاب «جنون بزرگ» در سه فصل با عناوین داستان، تاریخ و سیاست نوشته شده است. آمیتاو گوش، رمان‌نویس بنگلادشی ساکن نیویورک است اما «جنون بزرگ» ناداستان است و از مهم‌ترین آثار او به شمار می‌رود. آمیتاو گوش، که بیشتر با رمان‌های تاریخی‌اش شناخته می‌شود، در این کتاب با کندوکاوی در ادبیات داستانی، تاریخ و سیاست، ضمن بازشناسی تحول آب و هوایی نادری که برایش رخ داده است، نکات مهمی را یادآوری می‌کند که معمولاً در بحث‌های تغییرات اقلیمی جایی ندارند یا با آنکه بدهی باید آنها را یادآور شد. او می‌گوید اجدادش مهاجران زیست‌محیطی بودند مدت‌ها قبل از آنکه این واژه ابداع شده باشد. آنها اهل جایی بودند که امروز بنگلادش نامیده می‌شود و رستایشان در ساحل رودخانه پامدا، یکی از بزرگ‌ترین آبراه‌های زمین، واقع شده بود. روزی رودخانه بزرگ ناگهان تغییر مسیر می‌دهد و روستا زیر آب می‌رود و تنها تعداد کمی از ساکنان موفق به فرار به مناطق مرتفع می‌شوند. این فاجعه زندگی آنها را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و مجبور به مهاجرت می‌شوند. آمیتاو گوش می‌گوید امروز وقتی به شرایطی که کل زندگی‌اش را شکل داده فکر می‌کند، آن نیروی مقاومت‌ناپذیری را به یاد می‌آورد که اجدادش را از سرزمین مادری‌شان رانده بود و آنها را در سفرهایی به خاطر می‌آورد که قبل از سفرهای فردی‌اش در همین مسیرا انجام می‌شد. آمیتاو گوش به ما یادآوری می‌کند که تغییر اقلیم سهم بسیار اندکی را در ادبیات داستانی به خود اختصاص داده است. او می‌رسد آیا امواج تغییرات اقلیمی آن‌چنان متلاطم است که نمی‌توان با زورق‌های فرسوم روایی در آن حرکت کرد؟ به اعتقاد او اکنون واقعیت‌ها به طرز گسترده‌ای تأیید می‌کنند که ما وارد دورانی شده‌ایم که تلاطم عادی شده است؛ اگر بخری از قالب‌های ادبی قادر به هماهنگی با امواج این تغییرات سهمگین نباشند، شکست خواهند خورد و شکست آنها باید نمادی از شکست ذوق ادبی و فرهنگ در نظر گرفته شود. بدهی‌ی است این مشکل ناشی از کمبود اطلاعات نیست چراکه امروزه نویسندگان از اختلالات اقلیمی در نظام‌های اقلیمی سراسر جهان غافل نیستند. با این حال، این واقعیتی شگفت‌آور است که وقتی داستان‌نویسان تصمیم به نوشتن درباره تغییر اقلیم می‌گیرند، تقریباً همیشه این کار را در قالب غیرداستانی انجام می‌دهند.

در «جنون بزرگ» درمی‌یابیم که چگونه مسا گرفتار جنونی بزرگ شده‌ایم و چگونه می‌توانیم از آن رها شویم. این جنون با کوچک‌شردن عاملیت ناسان‌ها و تغییرات تصورناپذیر اقلیمی در حوزه داستان، تاریخ و سیاست پدیدار شده است. در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: «جانش‌هایی که تغییرات اقلیمی پیش پای نویسنده معاصر می‌گذارد البته از برخی جهات خاص است. اما محصول چیزی جامع‌تر و کهن‌تر است که در نهایت از شبکه‌ای از الگوها و سنت‌های ادبی سرچشمه می‌گیرد که تخیل روایی را شکل می‌داد- در دورانی که انباشت کربن در جو سرنوشت زمین را از سر می‌نوشت.»

استادفونش

جنون بزرگ

صورت‌تاریخیاقلمی اقلیمی

استادفونش

جنون بزرگ

آمیتاو گوش

ترجمه امید رستمیان‌مقدم

نشر نی